

مالیات («باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید») در اندیشه‌های ایران‌شهری

سید محمد فتح اله زاده^۱، میر جلیل اکرمی^۲

^۱ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲ استاد، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

در نظام مالیاتی باج و خراج منبع مهم درآمد ایران‌شهر را تشکیل می‌داد. این منابع از طریق پرداخت باج و خراج مردم داخل کشور و یا باج‌گیری و خراج ستانی شهریان ایران‌شهری از پادشاهان کشورهای دیگر، تأمین می‌شد. در این راستا بیشتر فرمانروایان و پادشاهان سرزمین‌ها و ممالک، سهم و نقش بسزایی داشتند. در اساطیر ایران سرزمین‌هایی چون هاموران، چین، هند و ... از جمله کشورهای باج‌گزار ایران‌شهری‌ها بودند؛ البته بعضی از کشورها با ایرانی‌ها یا در جنگ و ستیز بودند و یا صلح و آشتی. به‌رحال شهریان مقتدر ایران‌شهری از این کشورها و ممالک دیگر باج و خراج می‌ستانیدند. در این پژوهش و تحقیق ضمن بررسی و استخراج «باج‌ها»، «خراج‌ها» و چگونگی باج‌ستانی و خراج‌پردازی و کیفیت استفاده از آن در عمران و آبادی و امنیت ایران‌شهر کوشیده شده است. روابط سیاسی و رفتار شهریان ایران‌شهری در گرفتن مالیات (باج و خراج) در زمان صلح و یا هنگام جنگ در مواجهه و برخورد با فرمانروایان و پادشاهان کشورها و ممالک مختلف جهان و مردم ایران‌شهر مورد ارزیابی قرار گیرد. در این میان توجه و نظر شهریان ایران‌شهری در اخذ باج و خراج از اقشار مردم ایران‌شهر بیشتر بوده است.

واژه‌های کلیدی: باج، خراج، شهریار، ایران‌شهر، مالیات.

۱- مقدمه

«باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید» که امروزه به آن مالیات می‌گویند؛ نوعی مالیاتی بود که پادشاهان و فرمانروایان به کمک عوامل و گماشتگان و کارداران آنها به صورت پول، زر، گوهر، زمین و هر نوع مالی از رعیت، کشاورزان، صنعتگران، و دهقانان به اندازه درآمد آنها به صورت نقدی و غیر نقدی می‌گرفتند و پادشاهان ایرانشهری مقتدر و پیروز و قوی از شاهان و حاکمان مغلوب از زیردست می‌ستانیدند.

از دغدغه‌های مهم پادشاهان ایرانشهری؛ داشتن وضعیت اقتصادی بهتر برای ادامه حکومت و امنیت کشور بود. وضعیت اقتصادی از مشکلات و دشواری‌هایی بود که حتی در تثبیت ساختار سیاسی حکومت تأثیر می‌گذاشت.

وضعیت اقتصادی، بازرگانی، تجاری شاهنشاهی ایرانشهری از دیرباز مورد مطالعه پژوهشگران و مورخان و ادیبان بوده است؛ اما در خصوص «باج»، «باژ»، «خراج»، «ساو»، «گزیت»، «گزید» (مالیات) در آثار شاعران سبک خراسانی انجام نگرفته است و اگر تحقیقی هم شده، در تاریخ ایران و بر مبنای نوشته‌های تاریخی، سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها پرداخته شده است.

باج و خراج ادواری در اندیشه‌های ایرانشهری که شامل دوره‌های اساطیری، پهلوانی و تاریخی هستند، به انحاء و روش‌های مختلف از کشورها و ممالک مختلف جهان و از مردم ایرانشهر گرفته می‌شد؛ سیاستها و اقتدار و رفتار شهروندان ایرانشهری، موقعیتها و مکانهای متناسب اعمال گردیده است. چگونگی و کیفیت استفاده، عکس‌العمل و واکنش باج‌گزاران و خراج‌دهندگان و باژستانان، مقدار و اندازه باج دهی و خراج‌پردازی و محل ثبت و نگهداری باج و خراج تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی و اندیشه‌های سیاسی ایرانشهری مورد توجه قرار گرفته است.

بیان مسئله و سوالات تحقیق

مالیات یکی از اصلی‌ترین بنیان‌ها و مبنای پایه‌های اقتصادی کشور است، که در اندیشه‌های سیاسی ایرانشهری‌ها تأثیر گذار بوده است.

تاریخ‌نویسان، جامعه‌شناسان، شاعران، سخن‌سنان، باریک‌اندیشان و سیاستمداران در دیدگاه‌های خود به چالش‌های شهروندان ایرانشهری در چگونگی گرفتن مالیات به این امر مهم توجه داشته‌اند.

در این راستا این تحقیق برای پاسخگویی به پرسشهای زیر است:

- ۱- گرفتن مالیات (باج و خراج) از چه زمانی در ایران مرسوم بوده است؟
- ۲- شهروندان ایرانشهری در گرفتن مالیات (باج و خراج) چه نوع سیاستی داشته‌اند؟
- ۳- مالیات‌های (باج و خراج‌های) از سوی شهروندان ایرانشهری چگونه گرفته و در چه زمینه‌های هزینه می‌شده است؟

اهداف و ضرورت تحقیق

ایرانشهری‌ها در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... خود روش‌ها و شیوه‌های مخصوص به خود را داشتند، که یکی از آنها گرفتن مالیات (باج، باژ، ساو، گزیت، وگزید) بوده است.

هدف از این تحقیق احساس جای خالی این موضوع در تاریخ سیاسی و اجتماعی و ادبی ایران است. برای آشنایی بیشتر با مالیات (باج، باژ، خراج، ساو، گزیت و گزید) و شناخت بهتر روش‌ها و کیفیت و چگونگی گرفتن مالیات از طرف شهروندان ایرانشهری است.

پیشینه‌ی تحقیق

در حوزه‌ی مالیات ایران پیش از اسلام پژوهش‌هایی انجام گرفته، و مقالاتی نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از: «برآورد درآمد‌های مالیاتی دولت ساسانی» (براساس مدارک باستان‌شناسی و منابع تاریخی) از حسنعلی عرب و حسین صادقی (۱۳۹۲) با رویکرد اقتصادی سعی در بررسی جایگاه مالیات در ایران باستان، دیوان مالی و منابع درآمد دولت ساسانی داشته‌اند.

«بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انوشیروان» از علی اصغر میرزایی (۱۳۹۴) به تحلیل نظام مالیاتی پادشاهی دوران ساسانی پرداخته است.

«باز» و «ساو» در شاهنامه از آمنه طاهری عبدوند (۱۳۷۷) در این مقاله به ۲۱ نفر اشخاص که «باز» و «ساو» از زمان منوچهر تا یزدگرد سوم گرفته اند، اشاره شده است.

باتوجه به موارد ذکر شده، تاکنون هیچ گونه بررسی دقیق و جامعی درباره مالیات (باج و خراج) در اندیشه‌های سیاسی ایران‌شهری‌ها به این روش انجام نگرفته است.

بحث‌ها و یافته‌های این تحقیق

۱- ادواری

گرفتن باج و خراج در ایران شهر از دیرباز مرسوم بوده و قدمت آن به روزگاران باستان برمی‌گردد. براساس اندیشه‌های ایران‌شهری در آثار حماسی سبک خراسانی به ویژه در شاهنامه به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱-۱- اساطیری

فردوسی و شاعران هم اندیشه او از جمله اسدی طوسی گرفتن باج و خراج فریدون و فرستادن گرشاسب به سوی کشورهای باژ گزار، به ویژه فغفور چین به نظم کشیده‌اند:

بر او باژ و ساو همه چین نخست نبشت و ستد عهدی از وی درست (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۲۷)

به لشکر بیمای توران زمین ستان باژ خاقان فغفور چین (همان: ۳۲۴)

بخوانش به فرمانبری پیش باز بگو باژ بپذیر یا رزم ساز (همان: ۳۴۰)

فردوسی هم از باژ و ساو های اساطیری می‌گوید: در زمان منوچهر؛ مهربان نامی که پادشاهی کابل را داشت و نژادش به ضحاک می‌رسید و به سام، باژ و خراج می‌داد:

همی داد هر سال مر سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو (فردوسی، ۱۳۷۳: ۱/۱۵۵)

در تجارب الامم، باج‌ستانی و خراج‌گزاری به عهد منوچهر نسبت داده شده و او را اولین پادشاه وضع‌کننده باج و خراج دانسته است. (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۶۴)

در تاریخ بلعمی با عنوان اندر خطبه کردن منوچهر الملک، مطالب زیادی و مضامین گسترده‌ای درباره قانون گذاری ایشان در باج و خراج آمده است. (بلعمی، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۷)

۲-۱- پهلوانی

در قسمت پهلوانی شاهنامه و دیگر منظومه های حماسی، دلوری‌ها و دلدادگی های پهلوانان ایران‌شهری کاملاً به چشم می‌خورد: سام در زمان منوچهر به عنوان دارنده سرزمین‌های نیمروز و زاولستان و هندوستان از مهربان کابلی باژ و ساو می‌گیرد و در اختیار پادشاهان ایران‌شهری خراج می‌گذارد:

همی داد هر سال مر سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو (فردوسی، ۱۳۷۳: ۱/۱۵۰)

۳-۱- تاریخی

این دوره از سلطنت بهمن مقدمات اختلاط و آمیزش ادوار پهلوانی و تاریخی شروع با شکست ایرانیان از عرب در زمان یزدگرد سوم و کشته شدن او پایان می‌یابد که کیفیت و چگونگی باج و خراج در زمان ساسانیان بیشتر انوشیروان ساسانی و اردشیر نمود پیدا می‌کند و اندیشه‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی ایران‌شهری در جامعه آن عصر و تقسیم باج و خراج به نسبت طبقات اجتماعی شکل جدی به خود می‌گیرد. [تاریخ بلعمی در پادشاهی انوشیروان عادل به این امر پرداخته است.] (بلعمی، ۱۳۸۰؛ ۷۲۲-۷۲۳)

برای خسرو پرویز، در ششمین سال پادشاهی خود، از همسرش مریم که دختر قیصر روم بود، پسری به دنیا آمد. قیصر روم چهار میلیون دینار به ایران‌شهر فرستاد:

به مریم فرستاد چندی گهر یکی نره طاووس کرده بزر
چه از جامه نرم رومی حریر ز در و زبرجد یکی آبگیر
همان باژ کشور که تا چار بار ز دینار رومی هزاران هزار (فردوسی، ۱۳۹۴ / ۴: ۱۰۰۵-۱۰۰۶)

۲- سیاست و اقتدار شهریاران ایران شهری در گرفتن باج و خراج

قدرت و توانمندی و اقتدار و برتری فکر و اندیشه پادشاهان می تواند اقشار مختلف مردم جامعه و شهریاران کشورها را به فرمانبرداری و اطاعت از او در بیاورد. بنابراین در اندیشه ایران شهری قدرت های سیاسی پادشاهان با به کارگیری عناصر فرهنگ و نظامی توانسته بودند مقاصد خود را پیش برده و بنیان حضور خویش را بر همگان و شاهان جهان تثبیت بخشند. این امر یعنی گرفتن «باژ و ساو» (باج و مالیات). با توجه به شاهد شعری حماسه سرایان ایرانی به پنج روش انجام می شد:

۱-۲ با رفق و مدارا و صلح و دوستی

پادشاهان ایرانی سعی می کردند از کشورهای قدرتمند و دارای ثروت با خوشی و رفق و مدارا باج و خراج بگیرند. فریدون به گرشاسب دستور می دهد که از توران زمین و همچنین از فغفور چین با دوستی و زبان خوش باج و خراج بگیرد و اگر خود داری کند، با او به جنگ بپردازد:

به لشکر بپیمای توران زمین ستان باژ خاقان و فغفور چین (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۳۴)

بخوانش به فرمانبری پیش باز بگو باژ بپذیر یا رزم ساز (همان: ۳۴۰)

گرشاسب از طرف فریدون به پادشاه توران زمین نامه می نویسد و از باژ گرفتن کاوه از خاور سخن می گوید و از فغفور چین می خواهد دوستانه و با اطاعت از فرمان شاه باژ و خراج ایرانی ها را بپردازد. (همان: ۳۶۶)

فرستادگان قیصر جوان روم به ایرانشهر می آیند و صمیمانه و دوستانه از انوشیروان می خواهند تا باژ و ساو بپذیرد و دوستی و صلح مثل سابق بین این دو کشور باقی بماند:

همه سر به سر باژ دار تو ایم پرستار و در زینهار تو ایم (فردوسی، ۱۳۷۳/۸: ۳۰۰)

۲-۲ با خصومت و دشمنی

پادشاهان ایرانی در وهله اول سعی و تلاش آنها بر این بود به خاطر دوستی از شهریاران کشورهای دیگر بر اساس عهد و پیمانی که بسته بودند باژ و خراج بگیرند، وقتی می دیدند آنها از دادن باژ و خراج استنکاف می ورزند، با خصومت و دشمنی به باجستانی و خراج گرفتن می پرداختند.

بهو پادشاه قنوج و رای به گرشاسب پیام می فرستد و آمادگی خود را در پرداخت سه برابر باژ و خراج سالهای گذشته اعلام می کند تا خصومت و دشمنی به دوستی تبدیل شود:

اگر از پی باژ شاه آمدی به فرمان او کینه خواه آمدی

ببین هدیه و باژ کز گنج خویش چه دادست مهراج هر سال پیش

سه چندان دهم من به فرمانبری دگر خلعت و هدیه ها بر سری (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۹۵)

۳-۲ با ارباب و تهدید

قدرت نمایی و مانور نظامی، نشان دادن توان سپاه، زهر چشم گرفتن، ایجاد ترس و وحشت از جنگ های روانی است که بنیاد و بنیان سیاست یک کشور قدرتمند به حساب می آید. فریدون از گرشاسب می خواهد خاقان و فغفور چین را با ارباب و تهدید وادار به پذیرفتن باج و خراج بکند:

یکی نامه آکنده از خشم و کین بیارای نزدیک فغفور چین

بگو باژ و ساو آنچه باید بساز چو خاقان یغر زود پیش آی باز

وگر نه بیای اندر آرم سرت نهم بر سر از موج خون افسرت (همان: ۳۶۵)

۴-۲- با لشکرکشی

داشتن سپاه منظم و لشکر بی شمار در نیل به اهداف سیاسی و نظامی هر کشوری اهمیت حیاتی دارد. شاهان ایران‌شهر با مجهز به تسلیحات جنگی آن زمان و داشتن نیروهای کارآمد و جنگجو، می توانستند با لشکرکشی و سپاه آرایبی خود باج و خراج را از کشورهای دشمن بستانند.

گرشاسب به خاقان چین نامه می نویسد که آنچه سزاوار و آیین باژ و ساو است، طبق آن به ایران‌شهر بپردازد و اگر استنکاف ورزد، لشکری برای جنگ آماده کند:

سزا باژ بپذیر و هدیه بساز و گرنه به جنگ آر لشکر هزار (اسدی طوسی، ۱۳۵۴:۳۴۲)

۵-۲- با جنگ و خون ریزی

ایران‌شهری ها که در رأس امور آنها پادشاه قرار داشت، برای گرفتن باج و خراج به جنگ و ستیز می پرداختند. پادشاه کابل از گرشاسب، پهلوان ایرانی شکست خورده، نامه ای به او می فرستد تا دوباره به ایرانیان باج و خراج بدهد تا جنگ و خونریزی ادامه نیابد. (اسدی طوسی، ۱۳۵۴:۲۶۵)

در دوره ساسانیان؛ بهرام گور که بعد از یزدگرد بزه گر به پادشاهی رسیده است، شاه هند را با جنگ و خون ریزی تهدید به باج دهی و خراج پردازی می کند:

فرستادم اینک فرستاده ای سخنگوی و با دانش آزاده ای

اگر باژ بفرست اگر جنگ را به بی دانشی، سخت کن تنگ را (فردوسی، ۱۳۷۳ / ۷: ۴۱۳)

۳- مکان گرفتن باج و خراج در سرزمین ایران‌شهر

شهریاران ایران زمین در باج داری و خراج ستانی سیاست های داهیهانه و زیرکانه ایران‌شهری را داشتند که شامل سیاست داخلی یا درون کشوری و خارجی یا برون مرزی بود:

۱-۳- درون شهری (داخل کشور)

پادشاهان ایران‌شهری از مردم متمول و ثروتمند و شاغل و دارای کار و حرفه ی شهرها، دهات، روستاها، دهقانان، کشاورزان، برزگران، درودگران، صنعت گران و... با اصول و موازین و قوانین ایران‌شهری به کمک مأموران و گماشتگان ویژه خود باژ و خراج می گرفتند:

۱-۳-۱- شهرها

توجه به شهر و شهر نشینی در دوره های قبل از ساسانیان بیشتر بوده است، اما در زمان ساسانیان شهرها پیشرفت چشمگیری داشتند. اردشیر، اولین پادشاه ساسانیان، از چگونگی باژ و ساو گرفتن از شهرهای ایران می گوید:

زده یک مرا چند بر شهرهاست که دهقان و موبد بر آن بر گواست (همان/۷: ۱۸۱)

در «التنبیه و الاشراف» آمده است: «نوشیروان اول کسی بود که رسوم خراج نهاد و ترتیب آن را معین کرد.» (مسعودی،

۱۳۶۵: ۹۵)

۲-۱-۳- مرزها

مرزبندی و مفهوم مرز در بین ملت های مختلف تاریخ و پیشینه دیرینه دارد. اصل و منشا سرحد و مرز ایرانیان به دوران اساطیری می رسد، و در دوران تاریخی که ساسانیان آخرین آنهاست نیز به حدود و ثغور قلمرو خویش واقف بودند، مرزهای مشخصی داشتند و پادشاهان از مرزها هم باج و خراج می گرفتند.

گرشاسب، پهلوان ایرانی، با اعتقاد به اندیشه های سیاسی ایران‌شهری گرفتن باج و خراج را حق بایسته پادشاه می داند و بعد از گرفتن آن از سرزمین های خاور و روم به فریدون می فرستد:

خراج همه خاور و باژ روم هرآنچه آورید از دگر مرز و بوم (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۳۲۶)

۳-۱-۳- دهات و روستاها

دهات و روستاها در ایران شهر از دیرینه ترین و قدیمی ترین زمان کوچکترین واحد اجتماعی و تشکیلاتی بوده است که در آن گروه هایی از مردم زندگی اجتماعی داشتند و در زمینه های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی گردهم جمع می شدند. در شاهنامه، دهقانان فقط شهری نبودند؛ بلکه دهقان روستایی و دهاتی هم بودند:

یکی روستا بود نزدیک شهر که دهقان و شهری بدو بود بهر (رواقی، ۱۳۹۰ / ۱: ۱۱۶۹)

پادشاهان ایرانشهری از دهات و روستا هم باژ و ساو می گرفتند، در این دهات، دهقانان هم زندگی می کردند:

گزیتی نهادند بر یک درم گر ایدونک دهقان نباشد دژم (فردوسی ۱۳۷۳ / ۸: ۵۷)

۳-۲- برون شهری (خارج از ایرانشهر)

در آن زمان دیرینه و روزگاران پیش از اسلام سه رده کشورها بودند که به ایرانیان باژ و ساو می پرداختند:

۳-۲-۱- کشورهای دوست و وابسته

خاور زمین از کشورهای دوست ایرانشهری هاست. پادشاه خاور نامه ای را به نزد لهراسب می فرستد. اگر یکی از تخمه سام را فرستد و او پیروز شود، باژ و ساو به ایرانی ها می پردازد:

کنون گر از آن تخمه یکتن برم فرستی به گردون بساید سرم

فرستم به هر سال پیش تو ساو زر خاوری پر دو ده خم گاو (مختاری غزنوی، ۱۳۷۷: ۱۰۹)

۳-۲-۲- کشورهای دشمن و متخاصم

کشورهای دشمن ایرانشهری تا وقتی که ضعف و ناتوانی و شکست و استیصال به آنها روی نمی آورد، هیچ وقت به ایرانیان باج و خراج نمی دادند؛ زمانی که خود را در مقابل ایرانشهری ها و سپاه و لشکر ایرانی مغلوب و شکست خورده می دیدند و یا توانایی جنگ و مقابله با آنها را نداشتند، نسبت به ایجاد پیمان و انعقاد عهد برای باج داری و خراج پردازی اقدام می نمودند. انوشیروان به جنگ قیصر روم لشکر می کشد و بر آنها پیروز می شود قیصر روم اسقف مهراس را برای عذر خواهی و دادن باژ و خراج پیش انوشیروان می فرستد و شاه ایرانشهری آن را می پذیرد:

بسی لابه و بند و نیکو سخن پشیمان ز گفتارهای کهن

فرستادن باژ و ساو گران گروگان ز خویشان و گند آوران

نهادند بر روم باژ و ساو پراکنده دنیا، ده چرم گاو (فردوسی، ۱۳۹۴ / ۲ / ۲: ۶۴۹)

۳-۲-۳- از دیگر کشورهای جهان

تشخیص کشورهای بی طرف و باج گزار و خراج پرداز آن زمان به ایرانشهری ها امر آسانی نیست. اما کشورها بودند از عهد اساطیر تا عصر تاریخی، پادشاهان ایران از آنها باژ و ساو می گرفتند. در زمان پادشاهی منوچهر سام دستان از مهراب ساو و باج می گیرد:

همی داد هر سال مر سام ساو که با او به رزمش نبود ایچ تاو (همان/۲/۲: ۱۹۴)

در پادشاهی نوذر کشورهای مختلف باج گزار ایرانیان بودند:

بیامد ز هر کشوری باژ و ساو ز بیم گو نامدار تیز تاو (فردوسی، ۱۳۷۳/۶: ۳۸۲)

در پادشاهی دارا که چهره تاریخی شکل می گیرد، همه کشورهای باج گزار ایرانشهر بودند.

۴- زمان و موقعیت های باج خواهی

زمان به عنوان یکی از پدیده های طبیعی از دغدغه ها و وابستگی های ذهنی بشر بوده است. در حماسه ها بالاخص حماسه های ایرانیان، جلوه های متنوعی از زمان به شکل رویداد ها قابل مشاهده است. یکی از این رویدادهای مهم؛ باج خواهی پادشاهان ایرانشهر و باج داری و خراج گزاری شهریان دیگر کشورها است:

۴-۱- سالانه

وقتی فرستاده شاه ایران شهر از شهریار کابل باج و خراج می خواهد و با اعتراض او مواجه می شود که سالانه است؛ باج و خراج نه به سالی دو بار، پادشاه ایران خراج را بر او و کشور کابل می بخشد:

شه کابلی گفت کاین نیست داد شهنش به بیداد فرمان نداد

تو خواهی خواهد خداوند تاج به سالی دوبار نباشد خراج

خراج همه کابل و بوم اوی بدو داد یکسر شه نامجوی (اسدی طوسی ۱۳۵۴: ۴۳۷)

۴-۲- مقطعی و فصلی

انوشیروان در نامه ای به کارداران و باج دارانش دستور می دهد اگر در بومی و سرزمینی باران نبارد و دانه های کاشته شده نروید و رنج و زحمت کشاورزان بیهوده ماند، به کشاورزان از گنج شاهنشاهی مزد بدهند و باج را ببخشند:

همان گر نبارد به نو روز نم ز خشکی شود دشت خرم دژم

مخواهید باژ اندرون بوم و رست که ابر بهاران بباران بشست (فردوسی، ۱۳۷۳ / ۸: ۶۰)

۴-۳- سالی دو بار

پادشاهان ایران شهری، گهگاهی از کشورهای وابسته یا تحت سلطه؛ سالی دو بار باج و خراج می گرفتند. به طوری که فرستاده شاه طبق دستور می خواهد از پادشاه کابل باج بگیرد اما با اعتراض وی مواجه می شود. (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۳۷)

۴-۴- سالی سه بار

به دستور کسری انوشیروان؛ نباید به کدیور (برزگر) ستم شود و هر سال سه بار باژ گرفته شود، جای تامل و درنگ است که احتمالاً در دوران شهریاران پیشین سالی سه بار باج می گرفتند:

کسی بر کدیور نکردی ستم به سالی سه بهره بود این درم (فردوسی، ۱۳۷۳ / ۸: ۵۸)

۴-۵- سالی هر چهار ماه یکبار

انوشیروان در نامه‌ای به خراج ستانان و باج خواهان پند و اندرز می دهد که هر چهار ماه یکبار خراج را بستانند و آن هم با مهربانی و خوشرویی و آفرین و ستایش همراه باشد.

به هر چار ماهی یکی بهر از این بخواهید با داد و با آفرین (همان: ۶۰)

۵- چگونگی استفاده از باج و خراج

در اندیشه‌های سیاسی ایران شهری ها همه ابعاد و چارچوب های یک نظام سیاسی قابل تصور است و بر آنچه در یک جامعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، انسانی و کشور آرمانی لازم الاجرا است، تکیه می شود. از این رو پادشاهان ایران شهری باج و خراج‌هایی که می گرفتند در این اهداف ایده آل مورد استفاده قرار می دادند:

۵-۱- برای امنیت مردم و آبادانی کشور

برقراری امنیت، آرامش، آسایش و آبادانی کشور که یکی از مسیرهای نیل به مدینه فاضله و ایده آل مردم ایران شهری است، استفاده بهینه از باج و خراج در این راستا است. اردشیر، یکی از شهریاران توانمند ایران شهری، هدف خود را از باج‌ستانی برقراری امنیت و کوتاه کردن دست دشمنان ایران شهری عنوان می‌کند:

زده یک من بستدم پیش از این ز باژ آنچ کم بود پیش از این

بزرگی شما جستم و ایمنی نهان کردن کیش اهریمنی (همان: ۷/ ۱۸۱)

۵-۲- برای داشتن لشکر و سپاه توانمند و بی شمار

اردشیر بابکان هدف خود را از گرفتن باژ و خراج گردآوری سپاه قدرتمند و لشکر بی شمار یاد می‌کند:

زده یک من بستدم پیش از این ز باژ آنچ کم بود پیش از این

همی از پی سود بردم به کار به در داشتن لشکر بی شمار (همان: ۷/ ۱۸۱)

در اخبار الطول؛ خسرو پرویز هدف از باج و خراج را تقویت کشور دانسته است. (دینوری، ۱۴۰: ۱۳۹۰)

۳-۵- بخشیدن باج و خراج

پادشاهان ایران شهری با صلاحدید و دستور موبدان و درباریان و گاهی بدون مشورت و رایزنی با آنها به موقعیت توجه می‌کردند و زمانی از باج دهندگان و خراج پردازان سهم پادشاهی را مطالبه می‌نمودند و گاهی آنها را می‌بخشیدند. (فردوسی، ۱۳۷۳:۹/۲۰۳)

در اخبار الطول، بخشش و معاف کردن باژ و خراج به چهار گروه؛ افراد خاندان های اصیل، مرزبانان، سران کشور و دبیران و خدمتگزاران ذکر شده است. (دینوری، ۱۳۹۰:۱۰۰)

۱-۳-۵- به اشخاص و اقشار مختلف جامعه ایران شهری

پادشاهان ایران شهری اختیار داشتند قشرهای مختلف جامعه ایران شهری را مورد عفو قرار دهند، و از آن ها باج و خراج نخواهند. بهرام گور دستور می‌دهد دیگر از بزرگان، نامداران و مردم سرشناس بر کوی (بر قوه) باژ و ساو نخواهند. ز برکوی (برقوه) با نامداران جز ببردند بسیار دیبا و خز

بپذرفت و فرمود تا باژ و ساو نخواهند اگر چندشان بود تاو (فردوسی، ۱۳۷۳:۷/۳۷۴)

در زمان بهرام گور (در اخبار الطول) از برداشتن خراج از مردم سرزمین‌ها اشاره شده است. (دینوری، ۱۳۹۰:۸۵)

۲-۳-۵- به فرزندان و خویشاوندان

یکی دیگر از بخشش های پادشاهان ایران شهری بخش باج و خراجها بود.

بهرام گور به پدر همسر خود شنگل، پادشاه هندوستان، از بخشیدن باژ کشور می‌گوید:

به ایران به جای پدر دارمت هم از باژ کشور نیازارمت (فردوسی، ۱۳۷۳:۷/۴۳۷)

و یا قیصر روم با تأثیر پذیری از ایرانشهری ها باژ و خراج یک کشور را به دخترش مریم می‌بخشد.

(فردوسی، ۱۳۹۴:۲/۱۰۰۵)

۳-۳-۵- به پهلوانان و نامداران

پهلوانان نقش حساس و قابل تأمل در ایرانشهر و اندیشه‌های سیاسی ایرانشهری دارند.

شهریار ایرانشهری با اختیار و اراده خود همه باج و خراج گرفته شده را به گرشاسپ نامدار می‌بخشد:

خراج همه بوم خاور زمین دگر هر چه آورده بد همچنین

سراسر بدو داد بسیار چیز به طنجه دگر هر چه بگذاشت نیز (اسدی طوسی، ۱۳۵۴:۳۲۷)

۴-۳-۵- به دشمن (پادشاهان باج دهنده)

زمانی موقعیتی پیش می‌آمد که شهریاران ایرانشهری باژ و خراج را به کشورهای دشمن می‌بخشیدند. هرمز پادشاه

ساسانی باژ روم را به قیصر می‌بخشد:

به قیصر چنین گوی کز شهر روم نخواهم دگر باژ آن مرز و بوم (فردوسی، ۱۳۷۴:۸/۳۳۴)

۵-۳-۵- به نیازمندان و ارزانیان و زیردستان

کیخسرو پادشاه نیکنام و نیکومرام ایران شهری را می‌بینیم چه ثروت و جنگ و گوهر را به ارزانیان و نیازمندان می‌بخشد:

از آن پس همه خواسته هر چه بود ز دینار و ز گوهر نابسود

به ارزانیان داد تا آفرین بخوانند بر شاه ایران زمین (همان/۵:۳۴۰)

۶-۳-۵- به تمامی مردم جهان

بهرام گور مالیات و خراج تمامی مردمان جهان را هفت سال می‌بخشد:

نخواهم خراج از جهان هفت سال اگر زیر دستی بود گر همال (همان/۷:۳۹۸)

در اخبار الطول آمده است: «بهرام گور بعد از پیروزی بر ترکان و خاقان چین به پایتخت خود برگشت و خراج آن سامان را

از مردم برداشت.» (دینوری، ۱۳۹۰:۸۵)

۶- باج‌گزاران و خراج دهندگان (باز داران)

در نظام مالیاتی پادشاهان؛ مالیات های (باج و خراج) گوناگون، مهم ترین منبع درآمدی پادشاهان را تشکیل می داد. این امر باعث شده بود تا شاهان ایرانی از اقشار مختلف جامعه و مردم ایرانشهری باج و خراج بگیرند:

۶-۱-۱- مردم داخل کشور

در زمان انوشیروان این پادشاه عدالت پیشه بر مردم فرودست اجتماعی و دستورزان شهری که با رنج تن خویش روزگار می گذرانیدند، باز و خراج را نگرفت، از خزانه خود گنج و ثروت به آنها بخشید. (فردوسی، ۱۳۷۳/۸:۵۶)

۶-۱-۱-۱- کشت ورزان و کدیوران

شاهان تا پیش از انوشیروان از کشاورزان بهره و خراج (خراج) می ستانده اند اما این شهریار خوشنام همه را بر کشاورزان و کدیوران بخشید. (فردوسی، ۱۳۷۳/۸:۵۷-۵۸)

۶-۱-۲- زمین داران

در زمان کسری انوشیروان؛ کشاورزانی که زمین داشتند اگر هنگام کشت و کار تخم برای کاشتن و یا گاو برای شخم زدن نداشت، از گنج شاهنشاه گاو و تخم بدو داده می شد و گاهی باج و خراج او بخشیده می شد. (همان/۸:۵۷)

۶-۱-۳- دهقانان

دهقانان هم باز و خراج می دادند. به طوری که انوشیروان دستور می دهد؛ بیشتر از یک درم از آنها نگیرند. (همان/۵۷:۸)

۶-۱-۴- نامداران و مهتران

نامداران و پهلوانان و مهتران و بزرگان هم مؤظف بودند به شهریاران ایرانشهری باج بپردازند. در زمان قباد؛ هر نامداری و هر مهتری مؤظف بود باج گزار باشد. (همان/۳۱:۸)

۶-۱-۵- توانگران و ثروتمندان

توانگران و ثروتمندان باید به شهریار ایرانشهری، مالیات و باج و خراج می پرداختند. خسرو پرویز از گرفتن باز و ساو از کسانی که توانگر بودند به پسرش شیرویه می گوید. (همان/۹:۲۶۶)

۶-۲- شهریاران

پادشاهان ایرانشهری برای آبادانی و امنیت ایران زمین و داشتن غنی ترین گنجینه شخصی و شاهنشاهی و دولتی؛ تنها از اقشار مختلف درون مرزی باج و خراج نمی گرفتند. شهریاران سرزمینهای همسایه و دوردست را وادار به پرداخت باز و ساو می نمودند. اردشیر ساسانی از مجبور بودن شهریاران روم و هند و دیگر سرزمینها به پرداخت با باز و ساو می گوید. (همان/۷:۱۸۰)

۷- خود داری باج گزاران از باج و خراج دهی

شهریاران ایرانشهر بنا را بر این گذاشته بودند که از کشورهای دوست و گاهی متخاصم و زمانی از سرزمینهای تصرف شده و از اقشار مختلف جامعه، باج و خراج بگیرند و می گرفتند. ولی همیشه در این راستا موفق نبودند و باج پردازان و خراج گزاران از پرداخت باز و ساو خودداری می نمودند:

۷-۱- مردم نیازمند و ناتوان ایرانشهر

مردم نیازمند و فقیر و ناتوان ایرانشهری وقتی که توان پرداخت باج و خراج به پادشاهان نداشتند، و پادشاهان هم بر این امر واقف بوده آنها را مورد عفو قرار می دادند. (فردوسی، ۱۳۷۳/۷:۴۱۰)

۷-۲- شهریاران و پادشاهان کشورهای دوست

پادشاه هاماوران که دوست پادشاه ایران شهر است و دختر خود سودابه را به کیکاووس داده؛ می خواهد کیکاووس را به هاماوران بکشاند و از بین ببرد تا باژ دهنده ایران شهری ها نباشد:

مگر شهر و دختر بماند بدوی نباشد همی بر سر یکی باژ جوی (فردوسی، ۱۳۷۳:۲/۱۳۴)

نوشاد می گوید اگر ایرانیان در مقابل کید نامی؛ توانایی و هنر دفاع از هندوستان را ندارند، چرا به ایرانیان باج و خراج بپردازد:

بدان نامور ما نداریم تاو چو کاووس جوید ز ما باژ ساو

وگر چون تهی شد ز ایران هنر چه باید مرا دادن این گنج زر (سرمدی، ۱۳۸۲:۵۹-۵۷)

۷-۳- شهریاران و پادشاهان کشورهای دشمن

بعد از پادشاهی لهراسپ و گشتاسپ؛ همه شاهان به آنها باج و خراج می دادند به غیر از ارجاسپ تورانی:

گزیتش بدادند شاهان همه بیستش دل نیک خواهان همه

مگر شاه ارجاسپ توران خدای که دیوان بدندی به پیشش به پای (دقیقی طوسی، ۱۳۶۸:۵۰)

بلعمی می گوید: «وقتی پادشاه ترکستان باج و خراج نمی داد، اسفندیار، پسر گشتاسپ، به ترکستان حمله کرد و از آنها خراج گرفت و به هر شهری باژ و ساو نهاد.» (بلعمی، ۱۳۸۰:۴۶۸)

بخواهم کنون از شما باژ و ساو که دارد به پرخاش با روم تاو؟ (فردوسی، ۱۳۹۴:۲/۶۴۰)

۷-۴- ایران شهری ها به انیرانی ها

زرتشت، پیامبر ایرانی، گشتاسپ را پند می دهد که چرا به ارجاسپ تورانی باج و خراج می دهد: (دقیقی طوسی، ۱۳۶۸:۵۳)

بهرام گور سپاه خاقان چین را غافلگیر کرده و به آنها شبیخون زده و شکست می دهد. ضمن اینکه به غیر ایرانی ها باج و خراج نمی دهد؛ بلکه آنها را مجبور می کند به ایران شهری ها باژ و ساو بدهند. (فردوسی، ۱۳۷۳:۷/۳۹۳)

این بخش تاریخی دقیقاً در تاریخ بلعمی آمده است. (بلعمی، ۱۳۸۰:۶۵۴)

در تجارب الامم هم به این قسمت پرداخته شده است. (مسکویه، ۱۳۶۹:۱/۱۴۹)

۷-۵- هم دینان و هم کیشان

شهریاران کشورهای مختلف که دین زرتشتی را پذیرفته اند، به این اندیشه سیاسی ایران شهری گشتاسپ اعتراض می کنند که وقتی ما به دین شما در آمده ایم، چرا باج و خراج بپردازیم. (دقیقی، ۱۳۶۸:۸۴)

۷-۶- دبیران و درباریان (پرستندگان شهریار)

دبیران و پرستنده های دربار شهریاری از کسانی بودند که باج گزار و خراج پرداز نیز بودند. اما در زمان انوشیروان ساسانی؛ گهگاهی از دادن باج و خراج خود داری می کردند. (فردوسی، ۱۳۷۳:۸/۵۸)

۸- مقدار و اندازه باج دهی و خراج پردازی

در روند خراج و باج گیری شهریاران ایران شهری از مردم داخل کشور و خارج کشور (پادشاهان کشورهای دوست و کشورهای دشمن و شکست خورده و مغلوب شده از ایرانیان) به اندازه و مقدار و چند و چون آن در کتاب های تاریخی اشاره شده است. در تاریخ بلعمی؛ وضع خراج به قباد نسبت داده شده است و وصیت او بر پسرش انوشیروان در چگونگی گرفتن باج و خراج آمده است که با شاهنامه هم خوانی دارد: (بلعمی، ۱۳۸۰:۳۶۵) و (ابن بلخی، ۱۳۷۴:۳۹۸)

۸-۱- بی اندازه و بی شمار

قیصر روم بعد از شکست سنگین از ایرانیان مجبور می شود که باج و خراج بی حد و حصر و بی شمار را به کسری انوشیروان بپردازد. (فردوسی، ۱۳۷۳:۸/۹۳)

۸-۲- خروارها

بهرام گور به دستور و وزیر خویش «روزبه موبد» می گوید: از مردم ری و اصفهان خروارها باج و خراج بخواهد.
(همان/۷:۳۷۶)

۸-۳- چرم گاو

گرشاسپ بعد از گرفتن چهل چرم گاو، باژ و خراج از پادشاه قیروان، آنجا را به قصد قراطیه ترک می کند. (اسدی طوسی، ۱۳۵۴:۳۰۶)

۸-۴- یک سوم

انوشیروان می گوید در گذشته باج و خراج یک بهره از سه یا چهار بهره بود:
سه یک بود یا چار یک بهر شاه قباد آمد و ده یک آورد راه (فردوسی، ۱۳۷۳: ۸/۵۷)

۸-۵- یک چهارم

یک چهارم بودن باج و خراج از زبان کسری انوشیروان:
سه یک بود یا چار یک بهر شاه قباد آمد و ده یک آورد راه (همان/۸: ۵۷)

۸-۶- یک دهم

کسری انوشیروان می گوید که قباد باج و خراج را یک دهم کرده بود. (همان/۸: ۵۷)
در تاریخ بلعمی آمده است: «وی (کی قباد) ملکی با عدل و داد بود و جهان را آبادان کرد، و خراج نستد مگر عشر.» (بلعمی، ۱۳۸۰: ۳۶۷)

۸-۷- کم تر از یک دهم

کسری انوشیروان می گوید: باج و خراج را قباد یک دهم کرد و بر آن بوده است که کم تر از یک دهم هم بکند که مرگ مهلتش نداد. (فردوسی، ۱۳۷۳، ۸/۵۷)

۹- جنس و نوع باج و خراج

شهرياران ايرانشهری باج و خراج‌هایی که می گرفتند به صورت نقدی بود یا غیر نقدی. در تاریخ بلعمی در پادشاهی و عدل انوشیروان آمده است: «به هر کجا درختی بارور بود از نخل تا درخت زیتون؛ به هر درختی چیزی برنهاد و بر هر جفتی خراجی معلوم برنهاد.» (بلعمی، ۱۳۸۰: ۷۲۰)

۹-۱- گنج و گوهر

یکی از مهم ترین باج و خراج ایرانشهری ها گنج و گوهر بود. بهرام گور به وزیرش (روزبه موبد) دستور می دهد از شهر ری و اصفهان گنج و گوهر بگیرد. (فردوسی، ۱۳۷۳: ۷/۳۷۶)

۹-۲- رز (انگور)

کسری انوشیروان از گزیت و باج رز (انگور) می گوید. (همان/۸: ۵۷)

۹-۳- خرما

غیر از انگور شهرياران ايرانشهری از خرما هم باج و خراج می گرفتند. (همان/ ۸: ۵۷)

۹-۴- زیتون

باج زیتون هم یکی دیگر از باج و خراج‌هایی بود که باید مردم می پرداختند. (فردوسی، ۱۳۷۳: ۸/۵۷)

۹-۵- جوز (گردو)

شهرياران ايرانشهری از گردو هم باج و خراج می گرفتند. (همان/۸: ۵۷)

۹-۶- تمامی میوه ها

تنها انگور، خرما، زیتون و گردو میوه هایی نبودند که مردم باج و خراج آنها را می دادند؛ بلکه موظف بودند از هر میوه دیگری نیز باژ و ساو بپردازند. (همان/۸: ۵۷)

۹-۷- درختان (بن ها)

شهروندان ایرانشهری طبق قانون شهریاران فقط برای میوه ها و گنج و گوهرها باج و خراج پرداخت نمی کردند بلکه آنها وظیفه داشتند و مجبور بودند از بن درختان هم باج و خراج بپردازند. (همان/۸: ۵۷)

۹-۸- گله و رمه

در زمان اردشیر ساسانی و پیش از او مردم دامدار و دام پرور باج و خراج می پرداختند که اردشیر خود این امر را به زبان می آورد:

چو باید شما را ببخشم همه همان ده یک و بوم و باژ و رمه (فردوسی، ۷/۱۳۷۳: ۱۸۱)

۱۰-۱- باج خواهان (گیرندگان باج)

باج گیران و خراج گیران کسانی بودند که مستقیماً از مردم باژ و ساو می گرفتند. عده ای هم بودند که مستقیماً دخالت نداشتند بلکه در ثبت باج و ساو نقش داشتند. افرادی هم بودند که در جمع آوری و ثبت و نگهداری آن باج و خراجها نظارت می کردند:

۱۰-۱-۱- کارداران

کسری انوشیروان برای گرفتن باج آنان را مأمور می کند:

یکی نامه فرمود برپهلوی پسند آیدت چون ز من بشنوی

سوی کارداران باژ و خراج پرستنده شایسته فر و تاج (فردوسی، ۸/۱۳۷۳: ۵۸)

۱۰-۲- مرزداران

فرستاده قیصر روم به لهراسب می گوید که من مرزدار و باژ خواه خزر شده ام:

فرستاده گفت ای سخنگوی شاه به مرز خزر من شدم باژ خواه (فردوسی، ۶/۱۳۷۳: ۵۷)

۱۰-۳- دریاداران

دریا داران و کشتیبانان هم باج و خراج می گرفتند، هم انیرانی ها باج خواه داشتند و هم ایرانشهری ها در دریا ها باج خواه داشتند. (همان/۳: ۲۲۷)

۱۰-۴- مأموران خاص یا گماشتگان ویژه (پهلوانان)

مأموران خاص که گماشتگان ویژه چه از پهلوانان و چه از نامداران باج و خراج شهریاری را از مردم می گرفتند: هر سال پادشاه کابل به رستم باژ و ساو می داد. (همان/۶: ۳۲۵)

۱۱- دست اندرکاران و ناظران باج و خراج

دست اندر کاران باژ و ساو از طرف شهریار گماشته می شدند؛ برای نظارت و گرفتن باژ و ساو و ثبت و نگهداری آن در خزانه پادشاهان ایرانشهری:

۱۱-۱- دستوران (وزیران)

بهرام گور به دستور و وزیر خود فرمان می دهد از مردم ری و اصفهان گنج و گوهر با عنوان باژ بگیرد. (همان/۷: ۱۸۱)

۱۱-۲- دهقانان

اردشیر ساسانی از گرفتن باج و خراج و یک دهم از شهرها که دهقانان و موبدان بر آن گواه و شاهد هستند، می گوید. (همان/۷: ۱۸۱)

۱۱-۳- موبدان

موبدان بزرگان دینی و روحانیان زرتشتی بودند که بر کیفیت و چگونگی باج خواهی و خراج پردازی نظارت داشتند. اردشیر به نقش موبد در گرفتن باج و خراج اشاره می کند. (همان/۷:۱۸۱)

۱۱-۴- گنجوران

انوشیروان فرمان می دهد که چگونگی و کیفیت گرفتن باج و خراج در سه دفتر نوشته شود: یکی بر دست گنجور، دومی وزیر (دستور) و سوم موبد سپرده شود:

گزیت و خراج آنچه بد نام برد به سه روزنامه به موبد سپرد

یکی آن که بر دست گنجور بود نگهبان آن نامه دستور بود

دگر تا فرستد به هر کشوری به هر نامداری و هر مهتری (فردوسی، ۱۳۷۳: ۸:۵۸)

۱۱-۵- مهتران و نامداران (بزرگان و پهلوانان)

کسری انوشیروان می خواهد که بعد از ثبت باج و خراج به هر نامدار و مهتر کشور ایرانشهر فرستاده شود. (همان/۸: ۵۸)

۱۲- محل ثبت خراج و باج

هرگونه و هر نوع باژ و ساوی که گرفته می شد، در دیوان و یا در روزنامه ثبت می شد.

۱۲-۱- دیوان

کسری انوشیروان از دبیر می خواهد تا در دیوان ثبت کند:

دبیر و پرستنده شهریار نبود به دیوان کسی زین شمار

گزیت و خراج آنچه بد نام برد به سه روزنامه به موبد سپرد (همان/۸: ۵۸)

۱۲-۲- روزنامه

روزنامه نیز دفتری بود که شهریاران ایرانشهری باج و خراج را در آن ثبت می کردند. (همان/۸: ۵۸)

نتیجه گیری

دراندیشه‌های ایرانشهری هامالیات (باج و خراج) یک امرتعریف شده ای بوده که ازدوران اساطیری آغازشده و در دوره تاریخی (عصرساسانیان) به اوج خود رسیده است.

شهریاران ایرانشهری ازسرزمین‌های مختلف وشاهان کشورهای دوست وابسته ویا متخاصم و دشمن به روش های متعددی ازجمله رفق ومدارا، صلح ودوستی وگاهی نیز با تهدید وارعاب وزمانی هم با روی آوردن به جنگ وخونریزی مالیات (باج و خراج) می گرفتند.

حداقل مدت زمان برای پرداخت مالیات (باج و خراج) سه بار وحداکثر یک بار درسال بود. گاهی شهریاران ایرانشهری مالیات (باج و خراج) را بر مردم می بخشیدند.

اقشار مختلف مردم جامعه کشاورزان، زمین داران، دهقانان، بزرگان، وثروتمندان موظف به پرداخت مالیات (باج و خراج) بودند.

مالیات (باج و خراج) در دستگاههای دولتی (شاهنشاهی) یک قانون مدون وتعریف شده ای بود ودراندیشه‌های سیاسی ایرانیان اهمیت داشت. برای آبادانی وامنیت کشور، کوتاه کردن دست بیگانگان، جلوگیری ازتجاوزدشمنان به سرزمین ایران وبرای داشتن سپاهی منظم ومقتدروکارآمدمورد استفاده قرار می گرفت. شهریاران ایرانشهری برای جمع آوری وگرفتن مالیات بازرسان، ناظران و ماموران ویژه ای داشتند که در دیوانی مخصوص ثبت می شده است.

منابع

الف- کتاب ها

۱. ابن بلخی، (۱۳۷۴)، فارسنامه، تصحیح و تحشیه فسایی رستگار، منصور، چاپ نخست، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
۲. اسدی طوسی، حکیم ابونصر علی بن احمد، (۱۳۵۴)، گرشاسپ نامه، به اهتمام یغمایی، حبیب، چاپ اول، تهران، کتابخانه بروخیم.
۳. بلعمی، ابوعلی، محمد، (۱۳۸۰)، تاریخ بلعمی به تصحیح بهار، محمد تقی، به کوشش پروین گنابادی، محمد، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار.
۴. دقیقی طوسی، ابو منصور محمد ابن احمد، (۱۳۶۸)، دیوان دقیقی طوسی، به اهتمام: شریعت، محمد جواد، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
۵. دینوری، ابو حنیفه، احمد بن داوود، (۱۳۹۰)، اخبار الطوال، ترجمه: مهدوی دامغانی، محمود، چاپ هشتم، تهران، نشر نی.
۶. رواقی، علی، (۱۳۹۰)، فرهنگ شاهنامه، ۲جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
۷. سرمدی، مجید، مصحح، (۱۳۸۲)، فرامرنامه (مولف ناشناس)، چاپ اول، تهران، انجمن آثار ومفاخر فرهنگی.
۸. فردوسی، (۱۳۷۳)، شاهنامه، ۴جلدی (از روی چاپ مسکو) به کوشش و زیر نظر: حمیدیان، سعید، چاپ اول، تهران، نشر قطره.
۹. فردوسی، (۱۳۷۶)، شاهنامه، ۸ جلدی، (ژول مول)، چاپ پنجم، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۰. فردوسی، (۱۳۹۴)، شاهنامه ۴ جلدی، ویرایش: خالقی مطلق، جلال، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.
۱۱. مختاری غزنوی، عثمان، (۱۳۷۷) شهریار نامه، به کوشش و اهتمام بیگدلی، غلامحسین، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۶۵)، التنبيه و الاشراف، ترجمه: پاینده، ابوالقاسم، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. مسکویه رازی، احمد بن محمد، (۱۳۶۹)، تجارب الامم، جلد یکم، ترجمه: امامی، نصرالله، چاپ اول، تهران، سروش.

ب- مقاله ها

۱۴. طاهری عبدوند، آمنه (۱۳۷۷) «باز» و «ساو» در شاهنامه، نامه پارسی، شماره ۱۰، تهران، صص ۱۲۰-۱۰۸.
۱۵. عرب، حسنعلی وصادقی، حسین (۱۳۹۲) «برآورد درآمدهای مالیاتی دولت ساسانی»، پژوهش نامه تاریخ، سال هشتم، شماره ۱ سی ودوم، تهران، صص ۱۰۹-۸۹.
۱۶. میرزایی، علی اصغر (۱۳۹۴) «بررسی نظام مالیاتی ساسانی واصلاحات مالی خسرو انوشیروان» فصل نامه پژوهش های تاریخی، سال هفتم، شماره دوم، تهران، صص ۱۲۴-۱۰۹.

Tax ("Baj", "Baj", "Kharaj", "Sav", "Gazit", "Gazid") in Iranshahri thoughts

Seyyed Mohammad Fathullah Zadeh¹, Mir Jalil Akrami²

¹ PhD student of Persian language and literature, Tabriz University, Tabriz, Iran

² Professor, Faculty of Persian Language and Literature, Tabriz University, Tabriz, Iran

Abstract

In the tax system, ransom and tribute were an important source of income for Iranshahr. These resources were provided through the payment of ransom and tribute from the people inside the country, or through the extortion and tribute of the princes of Iranshahri from the kings of other countries. In this regard, most of the rulers and kings of the lands and kingdoms played a significant role. In the mythology of Iran, lands such as Hamavaran, China, India, etc. were among the ransom paying countries of Iranshahris; Of course, some countries were either at war or at peace with Iranians. In any case, the powerful princes of Iran used to collect ransom and tribute from these countries and other kingdoms. In this study and research, while examining and extracting "ransoms", "tributes" and how to collect and pay tribute and the quality of its use in the construction and settlement and security of Iranshahr, it has been tried. The political relations and the behavior of the princes of Iranshahr in taking taxes (extortion and tribute) in peacetime or during war in dealing with the rulers and kings of different countries and kingdoms of the world and the people of Iranshahr should be evaluated. In the meantime, the attention and opinions of the Shahriars of Iranshahr have been more in collecting ransom and tribute from the people of Iranshahr.

Keyword: Baj, Kharaj, Shahriar, Iranshahr, Tax.
